

## آثار تاریخ به پیروی شاهنامه فردوسی در شبه قاره

ابوالقاسم فردوسی (م: ۴۱۱/هـ/۱۰۲۰ م یا ۴۱۶/هـ/۱۰۲۵ م) شاهنامه‌ای را در بحر متقارب در حدود سال ۴۰۱/هـ/۱۰۱۰ م یا ۴۰۲/هـ/۱۰۱۱ م سرود. این مثنوی حماسی درباره فرمانروایان ایران قبل از دوره حیات فردوسی است و برای ایرانی‌ها «کتاب ملی» و در جهان فارسی مورد پسند صاحبان ذوق است. این اثر ارزشمند فردوسی در هند هم از دیرباز مورد توجه بوده، در حضور پادشاهان و دولتمردان خوانده می‌شد و شاعران از آن پیروی می‌کردند. در بیشتر تذکره‌های عمومی شعرای فارسی که در هند به نگارش درآمده‌اند، احوال فردوسی همراه با ارزیابی اجمالی «شاهنامه» آمده است. صاحب «عرفات العاشقین» فردوسی را چنین معرفی کرده است:

”مقتدای ارباب صناعت معانی، پیشوای اصحاب براعت سخندانی، قاید الکلام، سابق الانام، فایق در کمالات سابق، منهی در روایات صادق، دستور الفصحا، استاد البلغا، ملک العلماء، اکمل القدما، اعرف العرفا، در یکدانه“<sup>۱</sup>.

شیخ احمد هاشمی سندیلوی فردوسی و هنرش در «شاهنامه» را چنین توصیف می‌کند:

”پیشوای شعراست... الحق داد سخنوری و فصاحت داده، تا این زمان از شاعران و فصحای روزگار هیچ آفریننده را یارای جواب «شاهنامه» نبوده و این مراتب از شاعران هیچ کس را مسلم نیست“<sup>۲</sup>.

۱. عرفات العاشقین، ص ۳۱۲۴.

۲. مخزن الغرایب، ص ۵۹۶.

در *مرات‌الخیال* (ص ۲۵) و *ریاض‌الشعرا* (ص ۴۷۹) هم فردوسی و شاهنامه وی مورد تقدیر قرار گرفته است. «شاهنامه» منظومه‌ای است که در آن بیشتر سرگذشت فرمانروایان و دولتمردان نقل شده است و به همین دلیل تعدادی از کتابهای مثنوی و منظوم تاریخ هند و همچنین تاریخ اسلام به نام «شاهنامه» و با الهام از آن به نگارش درآمده‌اند.

شعرا متعددی در منظومه‌های خود از سبک و اندیشه‌های فردوسی استفاده کرده‌اند. نگارنده‌های مختلف در آثاری با موضوعات گوناگون برای اثبات و تصدیق عقاید و اندیشه‌های خود از ابیات «شاهنامه» استمداد جسته‌اند.<sup>۱</sup> بعضی مجله‌ها، فصلنامه‌ها، «ویژه‌نامه فردوسی» و «شاهنامه» را چاپ کرده‌اند.<sup>۲</sup> گردهمایی‌های ملی و بین‌المللی بسیاری درباره فردوسی و اثر ارزشمندش برگزار شده است. دانشمندان و استادان زبان و ادب فارسی در هند درباره جنبه‌های مختلف این موضوع مقالات تحقیقی نوشته و به چاپ رسانده‌اند. آثاری مستقل درباره فردوسی منتشر شده است. «فهرست نسخ خطی و چاپی شاهنامه در کتابخانه‌های هند» در اختیار دوستداران ادب فارسی گذاشته شده است که نشان می‌دهد چه تعداد نسخ خطی مصور و مذهب و مورخ و بدون تاریخ استنساخ در هند وجود دارد. تعداد تقریبی این نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های شناخته شده هند کمتر از دویست و پنجاه نسخه نیست. بعضی از این نسخ در خود هند استنساخ شده و برخی دیگر از قسمت‌های دیگر جهان فارسی به هند آورده شده‌اند<sup>۳</sup> و نشانگر روابط هند با جهان فارسی هستند. استاد منزوی ۸۰ نسخه خطی «شاهنامه» را در کتابخانه‌های مختلف پاکستان فهرست کرده است.<sup>۴</sup> نسخه خطی «شاهنامه» محفوظ در کتابخانه انستیتیوی کاما، بمبئی چند سال پیش مورد توجه قرار گرفت. استاد مجتبی مینویی، دانشمند و فردوسی‌شناس برجسته ایران، بعد از

۱. دبستان مذاهب، ص ۳۵، ۳۷.

۲. قند پارسی، ویژه‌نامه فردوسی، شماره ۳-۲، بهار ۱۳۷۰ ه.ش/۱۹۹۱ م.

۳. فهرست نسخ خطی و چاپی شاهنامه در هند، پروفیسور شریف حسین قاسمی، اندو پرشین سوسایتی، دهلی نو، ۱۹۹۵ م.

۴. فهرست مشترک، ج ۷، منظومه‌ها.

مطالعه این نسخه به این نتیجه رسید که این نسخه قدیمی‌ترین نسخه «شاهنامه» در جهان است.<sup>۱</sup>

«شاهنامه» بارها از هند چاپ و منتشر شده است<sup>۲</sup> و کل آن و یا قسمت‌هایی از آن به زبان‌های مختلف هند و انگلیسی نیز برگردانده و چاپ شده است. «رستم و سهراب» فیلمی است که در هند ساخته شد و مورد پسند عموم مردم قرار گرفت. «شاهنامه» اثری مفصل است و به همین دلیل آن را چند مرتبه خلاصه کرده‌اند.<sup>۳</sup> از دیرباز «شاهنامه» یکی از متون درسی فارسی در هند بوده است.<sup>۴</sup> در میان زردشتیان هند مرسوم است که «شاهنامه» را که یکی از کتاب‌های مقدس آنهاست، به عنوان جهیزیه به دختران می‌دهند. یکی از علل علاقه‌مندی شدید هندی‌ها به فردوسی و شاهنامه وی، گزارش‌های ستایش‌آمیز در «شاهنامه» درباره هند است. همچنین «شاهنامه» غالب به یقین قدیمی‌ترین سند روابط دیرینه هند و ایران در زمینه‌های سیاسی، نظامی، ادبی و فرهنگی است که برای هندی‌ها جالب توجه است. تفصیل این دلبستگی و توجه فوق‌العاده هند به فردوسی و اثر جاودانه ادبی او داستانی جالب و به یادماندنی است:

شاهنامه، دیوان خاقانی و انوری، خمسه نظامی گنجوی و ابیاتی از امیر خسرو دهلوی در مجلس محمد سلطان خان شهید، فرزند سلطان غیاث‌الدین بلبن بادشاه مملوک هند (۶۸۶-۶۶۴ هـ/۱۲۸۷-۱۲۶۶ م) که سرپرست طوطی هند امیر خسرو، سعدی هند امیر حسن علای سجزی دهلوی و حاکم ملتان بود، خوانده می‌شد.<sup>۵</sup> ابوالفضل علمای (م: ۱۰۱۱ هـ/ ۱۶۰۲ م) وزیر نامدار اکبر شاه تیموری (۱۰۱۲-۹۶۳/ ۱۶۰۵-۱۵۵۶ م) به اکبر توصیه می‌کرد که هر روز فرصتی برای گوش دادن به «شاهنامه» داشته باشد.<sup>۶</sup> اکبر خودش هم علاقه خاصی به «شاهنامه» داشت. وی برای توجیه رفتار تعصب‌آمیز خود نسبت به دین اسلام از این ابیات «شاهنامه» استمداد می‌جست:

۱. عابدی، گفتارهای پژوهشی، ص ۲۲.

۲. رک: فهرست نسخ خطی و چاپی شاهنامه در هند.

۳. همان.

۴. ظهورالدین، ج ۵، ص ۵۷.

۵. تاریخ فرشته، ج ۱، ص ۷۰۹.

۶. هندستانی فارسی ادب، ص ۱۸.

ز شیر شتر خوردن و سوسمار عرب را به جایی رسیده است کار  
که ملک عجم را کنند آرزو تفو باد بر چرخ گردان تفو<sup>۱</sup>

اکبر پادشاه تیموری قصه امیر حمزه را که به قول بدایونی «افسانه مجرد و خیال محض» است<sup>۲</sup> در هفده جلد و در مدت پانزده سال نویسانیده و زر بسیار در تصویر آن خرج کرده بود<sup>۳</sup>. همین فرمانروای تیموری هندی از ملا تقی شوشتری که خود را «اعلم‌العلماء» می‌پنداشت، خواستار شد تا «شاهنامه» را به نثر آورد<sup>۴</sup> ولی در فهرست‌های نسخ خطی سراغی از این اثر نیست. نورالدین محمد جهانگیر (۱۰۳۷-۱۰۱۴ هـ/ ۱۶۲۸-۱۶۰۵ م) فرزند اکبر شاه داستانهای «شاهنامه» را از بر داشت. وی باری به همین تقی شوشتری گفته بود که می‌خواهم «در مجلس مبارک ما همه حکایات مشایخ و بزرگان خداپرست که ایشان را دیده باشی، مذکور گردد که دل می‌خواهد و آن چه از تاریخ فیروزشاهی (از ضیاءالدین برنی) و «شاهنامه» و دیگر کتب تواریخ نقل می‌کنی، این همه به عنایت الهی از برداریم<sup>۵</sup>. مولانا اسد بن ملا حیدر قصه خوان در «شاهنامه» خوانی بی نظیر آفاق و مخاطب به محفوظ خان بود. وی در سال ۱۰۲۸ هـ/ ۱۶۱۹ م در اردوی جهانگیر فوت شد<sup>۶</sup>، او غالب به یقین در مجالس شاهی و بین دوستان خود در هند «شاهنامه» می‌خواند و داستانهای آن را بازگو می‌کرد.

چند اثر تاریخی در هند به پیروی از «شاهنامه» به نگارش درآمده‌اند که به بعضی از آنها در اینجا اشاره می‌شود:

- بدر شاشی (چاچ، تاشقند امروز) شاید اولین شاعر برجسته و شناخته شده است که در زمان سلطان غیاث‌الدین تغلق (۷۵۲-۷۲۵ هـ/ ۱۳۵۱-۱۳۲۵ م) بن تغلق شاه، مؤسس سلسله تغلقیان در هند (۷۲۵-۷۲۰ هـ/ ۱۳۲۵-۱۳۲۰ م)، شاهنامه‌ای در تاریخ

۱. منتخب‌التواریخ، ج ۲، ص ۲۰۴.

۲. همان، ص ۲۳۵.

۳. همان، ص ۲۲۳.

۴. همان، ص ۲۸۳.

۵. مجمع‌الشعرا، جهانگیر شاهی، ص ۳۶۶؛ مجالس جهانگیری، ص ۷.

۶. ریاض‌الشعرا، ص ۴۵.

- هند در حدود سی هزار بیت سرود که "همین که تاریخ منظوم است، غنیمت است"<sup>۱</sup>. این کتاب در سال ۱۳۸۰ هجری به صورت سنگی چاپ شده است.
- عصامی کتاب «فتوح السلاطین» معروف به «شاهنامه هند» را در سال ۷۵۰/هـ-۱۳۴۹ م به تکمیل رساند. این تاریخ منظوم که مشتمل بر گزارش‌های تاریخی از عصر غزنویان تا دوره خود شاعر است، به ابوالمظفر بهمن شاه سلطان (۷۵۹-۷۴۸/هـ-۱۳۵۸-۱۳۴۸ م) اولین فرمانروای بهمنی دکن تقدیم شده است. نظر به اهمیت و استناد خود، «فتوح السلاطین» مأخذی برای آثار تاریخی بعدی مثل «طبقات اکبری» از نظام‌الدین احمد (م: ۱۰۰۳/هـ-۱۵۹۴ م) قرار گرفته است<sup>۲</sup> «فتوح السلاطین» دو مرتبه از هند چاپ شده است.
  - «بهمن‌نامه آذری» یا دکن در تاریخ سلطنت سلاطین بهمنی (۸۸۷-۷۴۸/هـ-۱۴۸۲-۱۳۴۷ م) است. علی حمزه بن عبدالملک اسفراینی متخلص به آذری (م: ۸۵۵/هـ-۱۴۵۱ م) این مثنوی حماسی را به پیشنهاد سلطان احمد شاه اول بهمنی (۸۳۸-۸۲۵/هـ-۱۴۳۴-۱۴۲۲ م) سرود<sup>۳</sup> و سپس ملأ نظیری و سامعی آن را تا رویدادهای انقراض دولت بهمنی ادامه دادند<sup>۴</sup>.
  - «نسب‌نامه شهریار<sup>۵</sup>» در هیجده هزار بیت شرح فرمانروایی سلسله قطب شاهی گولکنده (هند جنوبی) را تا حکومت محمد علی قطب‌شاه (۱۰۱۶-۹۸۸/هـ-۱۶۰۷-۱۵۸۰ م) دربردارد و در سال ۱۰۱۶/هـ-۱۶۰۷ م به تکمیل رسیده است. شاعری به نام منشی حیدر قلی متخلص به «خوشدل» آن را بعداً به تکمیل رساند<sup>۶</sup>.
  - حکیم امین (امینا) متخلص به «آتشی» عادلنامه را در تاریخ عادل شاهیان که در بیجاپور حکومت داشتند، به نام سرپرست خود محمد عادل شاه (۱۰۷۰-۱۰۳۵/هـ-

۱. منتخب‌التواریخ، ج ۱، ص ۱۶۷.

۲. استوری، ص ۴۳۳.

۳. شیروانی، ص ۲۸۹.

۴. خزانه عامره، ص ۲۲-۲۱؛ شیروانی، ص ۳۲۱.

۵. نسب‌نامه شهریار، اسپرنگر، ص ۴۱۱.

۶. استوری، ص ۷۴۶.

- ۱۶۵۹-۶-۱۶۲۵ م) به نظم کشید.<sup>۱</sup>
- منظری سمرقندی داستان‌های چندی بویژه درباره سکندر شاه سور (۹۶۴-۹۶۲ هـ/ ۱۵۵۷-۱۵۵۵ م) مشتمل بر ذکر شجاعت محمد حسین خان را به عنوان قسمتی از «شاهنامه» در تاریخ هند سرود. بدایونی صاحب «منتخب‌التواریخ» این قسمت را در پتیالی واقع در ایالت اترپرادش، دیده بود.<sup>۲</sup>
  - شاعری ناشناس شرح احوال و فرمانروایی همایون پادشاه تیموری (۹۶۳-۹۳۷ هـ/ ۱۵۵۶-۱۵۳۰ م) را در مثنوی «همایون‌نامه» در دوره حکومت اکبر شاه تیموری به نگارش درآورده است.<sup>۳</sup>
  - محمد جان قدسی مشهدی (م: ۱۶۲۴/۱۰۵۶ م) به نظم تاریخ دوره شاهجهانی تیموری (۱۰۶۸-۱۰۳۷ هـ/ ۱۶۵۷-۵۸-۸-۱۶۲۷ م) پرداخت ولی قبل از اتمام آن، در سال ۱۰۵۶ هـ/ ۱۶۲۴ م فوت کرد و «ظفرنامه شاهجهانی» را نتوانست به پایان رساند.
  - ابوطالب کلیم کاشانی (م: ۱۰۶۱ هـ/ ۱۶۵۱ م)، ملک‌الشعرای دربار شاهجهان، مثنوی «شاهجهان‌نامه» در پانزده هزار بیت شامل وقایع ده سال اول حکومت شاهجهان (از تولد تا ۱۰۴۶ هـ/ ۱۶۳۶ م) را در سال ۱۰۴۷ هـ/ ۱۶۳۷ م به پایان رساند و غالباً پادشاهنامه محمد امین قزوینی اساس و پایه این مثنوی است.<sup>۴</sup>
  - میر محمد یحیی کاشی (م: ۱۰۶۴ هـ/ ۱۶۵۴ م) شاعری دیگر است که به دستور شاهجهان به سرودن پادشاهنامه مأمور گردید ولی زندگی‌اش وفا نکرد و این مثنوی به تکمیل نرسید.<sup>۵</sup>
  - فنایی تاریخ عمومی جهان شامل هند را به نام «جهان‌نامه»، در دوره اورنگ‌زیب عالمگیر (۱۱۱۸-۱۰۶۸ هـ/ ۱۷۰۷-۱۶۵۸ م) سرود.<sup>۶</sup>

۱. استوری، ص ۷۴۳.

۲. منتخب‌التواریخ، ج ۳، ص ۲۳۳.

۳. ریو، ج ۳، ص ۱۰۰۰؛ استوری، ص ۵۳۹.

۴. عمل صالح، ج ۳، ص ۴۰۲.

۵. آفتاب اصغر، ص ۳۵۸.

۶. ریو، ج ۳، ص ۱۰۰۱؛ آفتاب اصغر، ص ۳۶۳.

۷. مارشل، ص ۱۳۷؛ ریو، ج ۲، ص ۷۰۱.

- میرزا محمد کاظم (م: ۱۰۹۲ هـ/ ۱۶۸۱ م) فرزند مورخ شهیر میرزا محمد امین و نگارنده «عالمگیرنامه» که تاریخ ده سال اول حکومت اورنگ‌زیب است، شاهنامه‌ای دارد که در دسترس نیست.<sup>۱</sup>
- میرزا نورالدین محمد شیرازی مخاطب به «نعمت خان» و متخلص به «عالی» (م: ۱۱۲۱ هـ/ ۱۷۰۹ م) در «شاهنامه گورکانی» یا «بهادر شاهنامه» یا «شاهنامه شاه عالم بهادر» تاریخ تیموریان را تا فرمانروایی شاه عالم (۱۱۹۹-۱۱۲۴ هـ/ ۱۷۸۵-۱۷۱۲ م) به نظم کشیده است.<sup>۲</sup> وی آثار دیگری نیز درباره تاریخ هند دارد.<sup>۳</sup>
- «نامه نغز» مشتمل بر ۱۶،۲۴۹ بیت در گزارش وقایع تاریخی دوره فرمانروایان کلهواری سبند و ورود نادرشاه افشار (۱۱۶۰-۱۱۴۸ هـ/ ۱۷۴۸-۱۷۳۶ م) به این سرزمین است که باغ علی خایف تألیف آن را در سال ۱۱۵۳ هـ/ ۱۷۴۰ م شروع کرد و به نام میان نور محمد (م: ۱۱۶۷ هـ/ ۱۷۵۳ م) سبند در سال ۱۱۵۵ هـ/ ۱۷۴۲ م به پایان رساند.<sup>۴</sup>
- «تاریخ عباسیه» از میر علی شیر قانع تنوی (م: ۱۲۰۳ هـ/ ۱۷۸۸ م) در گزارش تاریخ دوره حکومت میان نور محمد کلهور است که به سبک و بحر «شاهنامه» در سال ۱۱۷۵ هـ/ ۱۷۶۱-۲ م سروده شده ولی ناتمام است.<sup>۵</sup>
- شیوداس لکهنوی که شاهد عینی احوال هند قبل و بعد از حکومت فرخ‌سیر تیموری (م: ۱۱۳۱ هـ/ ۱۷۱۶ م) بود، تاریخ حکومت تیموریان را در «شاهنامه منور کلام» (۱۲۱۷ هـ/ ۱۸۰۲ م) تعریف و توصیف نموده است.<sup>۶</sup> ا.ت. پری‌کارد (I.T. Parichard) این کتاب را به انگلیسی ترجمه کرده است.<sup>۷</sup>

۱. فارسی ادب به عهد اورنگ‌زیب، ص ۴۸۳.

۲. مارشل، ص ۶۲.

۳. همان.

۴. مقالات راشدی، ص ۲۳۷.

۵. همان، ص ۲۳۹.

۶. ایوانف، ص ۳۵؛ ریو، ج ۱، ص ۲۷۴؛ ایلویوت، ج ۸، ص ۳۱۱.

۷. استوری، ص ۶۰۸؛ مارشل، ص ۴۴۷.

- ناظم خان فارغ قمی که در دربار فرخ سیر پادشاه تیموری (۱۱۳۱-۱۱۲۴ هـ/۱۷۱۸-۱۷۱۲ م) انجام خدمت می‌کرد و خطاب ناظم خان را دریافت نمود، تاریخ این پادشاه را با همکاری ملّا دانای کشمیری (م: ۱۱۵۰ هـ/۱۷۳۷ م) به نام «کارنامه شاهی» یا «شاهنامه فرخ سیری» به نظم کشید.<sup>۱</sup>
- محمد احسان ایجاد در ارتش شاهزاده محمد اعظم تیموری در گجرات مشغول کار بود. او بعداً فوجدار ایتاوه (واقع در اترپرادش) شد و از شاهزاده عظیم الشان منصب سیصدی را دریافت نمود. وی در دوره حکومت فرخ سیر به نگارش تاریخ مأمور شد و «شاهنامه دکن» (تاریخ فتوحات آصفی) را در پیروزی‌های آصفجاه در دکن به نظم کشید.<sup>۲</sup> نبی هادی اسم درست شاعر این «شاهنامه دکن» را ابوالفضل متخلص به «معانی» قلمداد کرده است.<sup>۳</sup>
- میر عظیم‌الدین فرزند سید یار محمد بن سید عزت الله (م: ۱۱۶۱ هـ/۱۷۴۸ م) «فتح‌نامه» را به دستور میر فتح علی تالپور فاتح سند و حاکم اوّل تالپوری (۱۲۱۷-۱۱۹۷ هـ/۱۸۰۲-۱۷۸۳ م) در گزارش رویدادهای تاریخی سند از سال ۱۱۰۳ هـ/۱۶۹۱ م تا ۱۲۰۸ هـ/۱۷۹۳ م که شاهد عینی آنها بوده، در سال ۱۲۰۹ هـ/۱۷۹۴ م سروده است.<sup>۴</sup> دکتر برنیر (Bernier) جهانگرد اروپائی این اثر را خیلی مورد پسند مردم آن دوره خوانده و می‌گوید که ابیاتش زبان زد مردم بوده است.<sup>۵</sup>
- میر صوبیدار خان (م: ۱۲۶۲ هـ/۱۸۴۶ م) فرزند میر فتح علی خان تالپور شرح پیروزی‌ها و جنگ آوری‌های میر فتح علی خان با کلهوران را در «فتح‌نامه سند» یا «جنگ‌نامه» در سال ۱۲۵۴ هـ/۱۸۳۸ م به نظم درآورد. میر حسن علی خان تالپور (م: ۱۳۲۴ هـ/۱۹۰۶ م) آن را در سال ۱۳۱۰ هـ/۱۸۹۲ م به نام «شاهنامه سند»

۱. مارشل، ص ۱۴۷، ۲۴۲؛ کاروان هند، ص ۲۵۱.

۲. استوری، ص ۶۰۵؛ مارشل، ص ۱۹۸.

۳. نبی هادی، ص ۳۲۶.

۴. اداره ادب سندی، پاکستان آن را در ۱۹۶۷ م به چاپ رسانده است.

۵. مقالات راشدی، ص ۲۴۶.



- به‌زبان سندهی برگردانده است.<sup>۱</sup>
- غلام غوث متخلص به «غلامی» (تولد: ۱۳ رمضان ۱۲۶۲ هـ/ ۱۸۴۶ م در میترانوالی پاکستان، وفات: ۵ ژانویه ۱۹۴۰ م) در سال ۱۳۰۱ هـ/ ۴-۱۸۸۳ م مثنوی طولانی «فیروزنامه» را در ۲۱۳۱ بیت درباره جنگ امام علی لاحق با رای ساهن پال، والی سیالکوت، سرود. چون این مثنوی بیشتر درباره رویدادهای جنگ است، غلامی طرحهای جنگ را به پیروی از «شاهنامه فردوسی» و حتی با استفاده از واژه‌هایی که فردوسی به کار برده، به تکمیل رسانده است.<sup>۲</sup> نسخه خطی این اثر در موزه لاهور، بشماره ۸۳۹ مضبوط است.
  - نظام‌الدین قریشی متخلص به «عشرت» سیالکوتی در سال ۱۱۶۲ هـ/ ۱۷۴۹ م شاهنامه نادری را در تاریخ حمله نادر شاه افشار (۱۱۶۰-۱۱۴۸ هـ/ ۱۷۴۷-۱۷۳۶ م) به هند و جنگهای بعدی اش به نظم کشید<sup>۳</sup> و سپس به سرپرستی و تقاضای پادشاه افغانی احمد شاه ابدالی (۱۱۸۷-۱۱۶۰ هـ/ ۱۷۷۳-۱۷۴۷ م) «شاهنامه احمدی» را در تاریخ همین فرمانروا در بحر «شاهنامه فردوسی» نگاشت.<sup>۴</sup>
  - خواجه ثناءالله خراباتی که در قریه طنگاه در نزدیکی سرینگر، کشمیر به دنیا آمد و زبانهای عربی، فارسی، اردو، ترکی و پنجابی می‌دانست، به تقاضای مهاراجا گلاب سنگ والی کشمیر، «مهاراجانامه» را در تاریخ سلاطین جمو و کشمیر در بحر شاهنامه فردوسی سرود.<sup>۵</sup>
  - احمدیار (متولد سال ۱۷۶۸ م در سوهدره بخش وزیرآباد) به تقاضای راجا گلاب سنگ «شاهنامه رنجیت» را سرود که تاریخ دوره سلطنت رنجیت سنگ والی پنجاب را دربردارد.<sup>۶</sup>

۱. مقالات راشدی، ص ۲۴۷.

۲. پکستان . میں فارسی، ج ۵، ص ۷۸.

۳. استوری، ص ۳۲۸.

۴. ریو، ج ۳، ص ۷۱۷.

۵. پکستان میں فارسی، ج ۵، ص ۲۸۶.

۶. همان، ج ۴، ص ۵۸، از امرتسر در ۱۲۰ صفحه در ۱۹۵۱ م چاپ سنگی خورده است.

- حمیدالله حمید کشمیری (م: ۱۲۶۴ هـ / ۱۸۴۸ م) پسر حمایت الله که شخصی فاضل بود، به تقاضای حکام افغانه به ویژه محمد اکبر خان فرزند امیر دوست محمد خان والی کابل (۱۸۳۹-۱۸۳۶ م و باز ۱۸۶۱-۱۸۴۳ م) سرود و به مناسبت اسم محمد اکبر خان آن را به «اکبرنامه» موسوم ساخت.<sup>۱</sup>
- منشی قاسم هم «اکبرنامه» دیگری را در پیروزی‌های همین اکبر خان سروده است.<sup>۲</sup>
- امر سنگ خوشحال تاریخ هند بویژه دوره انگلیسی‌ها را تا سال ۱۲۱۰ هـ/ ۹۲-۱۷۹۱ م به نام «رزمستان» یا «بزم خیال» یا «شاهنامه هند» به نظم کشید و به یکی از مقامات انگلیسی به نام جوناتان دونکن (Jonathan Duncan) که بعداً استاندار بمبئی شد، تقدیم نمود.<sup>۳</sup>
- راجا ایورو کرشنا دیوا کنور (۱۲۳۰-۱۲۸۴ هـ/ ۱۸۱۵-۱۸۶۷ م) فرزند راجا کرشنا از خانواده فرمانروایان بنگال که در کلکته بسر می‌برد، اثری در تاریخ هند موسوم به «شاهنامه هند» سرود. دو فصل آن تا تاریخ دوره سلطنت بابر پادشاه تیموری از کلکته به چاپ رسیده است.<sup>۴</sup>
- میرزا محمد غفران (م: ۹۲۶ هـ/ ۱۵۲۰ م) از چترال واقع در ایالت شمال غربی مرز پاکستان وقایع قدیمی چترال را در «شاهنامه چترال» به نثر نگاشت. میرزا شبیر احمد خان ملک الشعرا امیر کابل آن را به نام «شاهنامه چترال» جامه شعر فارسی پوشانید که انجمن ادبی چترال آن را به چاپ رسانده است.<sup>۵</sup>
- ملّا فیروز بن کاووس که در خانواده پارسی‌های هندی در بروج، گجرات در سال ۱۷۵۸ م به دنیا آمد و در هشتم اکتبر سال ۱۸۳۰ م فوت کرد، «جارج‌نامه» را که مثنوی حماسی است، در تاریخ انگلیسی‌ها در هند تا سال ۱۸۱۷ م به تقاضای

۱. آبتیان . میں فارسی ، ج ۴ ، ص ۴۷۲ .

۲. قاسمی، تاریخ ادبیات فارسی در هند، ص ۲۹۰

۳. مارشل، ص ۷۰ .

۴. استوری، ص ۳۲۴؛ مارشل، ص ۷۹ .

۵. تاریخ دلگشای شمشیرخانی، مقدمه، ص یازده .

جوناتن دونکن (Jonathan Duncan) سرود<sup>۱</sup> که از بمبئی در سه جلد در سال ۱۸۳۷ م به چاپ رسیده است.

• احمد حسین قریشی گجراتی فرزند عبدالکریم قریشی استاد زبان فارسی در دانشکده زمیندار در گجرات (پاکستان) تا حدی تحت تأثیر «شاهنامه فردوسی» وقایع یکی از جنگهای هند و پاکستان را که در ۱۹۶۵ م رخ داد، در «جنگنامه» به سبک شاهنامه فردوسی سرود ولی اقرار کرد:

چو فردوسی آرم کمال از کجا سرایم چگون نغمه دلگشا<sup>۲</sup>

این گزارش اجمالی آثار منظوم فارسی است که به پیروی از «شاهنامه فردوسی» در موضوع تاریخ هند سروده شده است.

### منابع

۱. آزاد، غلام علی بلگرامی: خزانة عامره، نولکشور، کانپور، ۱۸۷۱ م.
۲. آفتاب اصغر: تاریخ‌نویسی فارسی در هند و پاکستان، خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، لاهور، پاکستان. ۱۳۶۴ ه.ش.
۳. احمد علی هاشمی سندیلوی: مخزن‌الغرائب (خطی)، کتابخانه خدابخش، پتنا، شماره ۲۴۰.
۴. انصاری، نورالحسن: فارسی ادب به عهد اورنگ‌زیب، اندو پرشین سوسائتی، دهلی، ۱۹۶۹ م.
۵. بدایونی، عبدالقادر: منتخب‌التواریخ، مقدمه و اضافات توفیق سبحانی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹ ه.ش.
۶. تقی‌الدین محمد اوحدی: عرفات‌العاشقین، تصحیح ذبیح الله صاحبکاری، آمنه فخر احمد، تهران، ۱۳۸۹ ه.ش.
۷. خواجه عبدالرشید: تذکره شعرای پنجاب، اقبال اکادمی، کراچی، آبان‌ماه ۱۳۴۶ ه.ش.
۸. حسام‌الدین راشدی، سید: مقالات راشدی، کراچی، ۲۰۰۲ م.
۹. طاهره پروین اکرم: تاریخ دلگشای شمشیرخانی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، پاکستان، ۲۰۰۵ م.

۱. استوری، ص ۶۴۵.

۲. تذکره شعرای پنجاب، ص ۲۶.

۱۰. ظهورالدین احمد، دکتر: *پاکستان میں فارسی ادب*، اداره تحقیقات پاکستان، دانشگاه پنجاب، لاهور ۱۹۸۵ م.
۱۱. عابدی، سید امیر حسن: *گفتارهای پژوهشی در زمینه ادبیات فارسی*، تهران، ۱۳۷۷ ه.ش.
۱۲. عابدی، سید امیر حسن: *بهدوستان فارسی ادب*، به کوشش دکتر شریف حسین قاسمی، اندو پرشین سوسائتی، دهلی، ۱۹۸۴ م.
۱۳. عبدالستار: *مجالس جهانگیری، تصحیح عارف نوشاهی و معین نظامی*، میراث مکتوب، تهران، ۲۰۰۶ م.
۱۴. فرشته محمد قاسم: *تاریخ فرشته (گلشن ابراهیمی)*، لکهنو، ۵-۱۸۶۴ م.
۱۵. قاسمی، شریف حسین: *فهرست نسخ خطی و چاپی شاهنامه فردوسی در هند، اندو پرشین سوسائتی، دهلی، ۱۹۹۵ م.*
۱۶. کنبو، محمد صالح: *عمل صالح (شاهجهان نامه)*، لاهور، ۱۹۶۸ م.
۱۷. گلچین معانی: *کاروان هند: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹ ه.ش.*
۱۸. کیخسرو اسفندیار: *دبستان مذاهب*، تهران، تابستان ۱۳۶۲ ه.ش.
۱۹. لودی، امیر شیر علی خان: *مرآةالخیال، عمدةالخبار پریس، ۱۸۴۸ م.*
۲۰. منزوی احمد: *فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، ۱۹۸۸ م.*
۲۱. واله داغستانی، علی قلی خان: *ریاض الشعرا، به تصحیح پروفیسور شریف حسین قاسمی، کتابخانه رضا، رامپور، ۲۰۰۱ م.*
۲۲. قاطعی هروی، ملّا: *مجمع الشعراى جهانگیر شاهی، به تصحیح سلیم اختر، مؤسسه تحقیقات علوم آسیای میانه و غربی، دانشگاه کراچی، ۱۹۷۹ م.*
23. Elliot, Sir H.M: *The History of India as told by its own Historians Vol. VIII*, London, 1877.
24. Hadi Hasan, Prof.: *Studies in Persian Literature*, Jamia Millia Press, Aligarh.
25. Ivanov, W: *Concise Descriptive Catalogue of the Persian Mss. In the collection of Asiatic Society of Bengal*, Calcutta, 1924-26.
26. Marshal, N: *Mughals in India, A Bibliographical Survey of Mss.*, London, 1967.
27. Nabi Hadi: *Dictionary of Indo-Persian Literature*, Indira Gandhi National Centre for the Arts, Abhinav Publications, Delhi, 1995.

- 
28. Qasemi, S. H.: *A History of Indo-Persian Literature* (1220-1274 A.H./1806-1857 A.D.), Department of Persian, University of Delhi, Delhi, 2008.
  29. Rieu, C: *Catalogue of the Persian Mss. In the British Museum*, London 1879-83.
  30. Sherwani, Haroon Khan: *The Bahmanis of the Deccan*, Munshiram Manohar Lal, New Delhi, 1985.
  31. Sprenger, A: *A Catalogue of the Arabic, Persian and Hindustani Mss. In the Libraries of the Kings of Oudh*, Calcutta, 1854.
  32. Storey, C. A.: *Persian Literature- A Bio-Bibliographical Survey*, London, 1927-53.